

## از

## در اروپا



اختراع گرامافون و بی‌سیم و وسعت موارد استعمال آن‌ها، به تمدن قرن بیستم ارزش خاصی بخشیده است، پیوندها از همه سو میان کشورهای در حال گسترش روزافزون است و همگام با آن، نتایج اندیشه‌ی انسانها، در نقطه‌ای از جهان، پس از کوتاه مدتی بسایر نقاط، سرایت می‌کند.

این پدیده خود، نقطه تحول بزرگی در جهان امروز بشمار میرود که خواه و ناخواه تأثیر خود را بر روی هر يك از رشته‌های فعالیت بشر بجای می‌گذارد. موسیقی در زمره هنرهای است که از این تحول سود فراوان جسته است بخصوص موسیقی جاز، به کمک شرائط جدید، در چنان حد وسیعی بسوی کمال گرایش یافته که در تاریخ تکوین و ایجاد هیچیک از اشکال «هنر» یا موضوعات مربوط بآن، نمی‌توان این حال را مشاهده کرد.

هنگامیکه «گیلسپی» ۱ و «پارکر» ۲، دوتن از پیشگامان موسیقی جاز، در امریکا راهپارا کوبیدند، سالها بدرازا نکشید که موسیقی دانان اروپارا نیز، به میدان نفوذ خود کشیدند. در حالی که، رسیدن چنین موجی از امریکا به اروپا، در گذشته به دهها

سال زمان نیاز داشت. این موج نخستین بار، از طریق کپی‌های دقیق صفحات جاز، بسوی اروپا جریان یافت، بدون اینکه انگیزه‌هایی که در نپان، نوازندگان امریکائی را بخلق موسیقی جاز واداشته بود بدرستی، درک شده باشد.

انگلستان پیش از دیگر کشورهای اروپا، جاذبه موسیقی تازه را احساس کرد. اعزام «جرج شیرینگ»<sup>۱</sup> پیانیست، بخاطر جلب توجه استادان امریکائی، خود نموداری از وجود این احساس بود.

سوئد نیز در این طریق، از رقیبان انگلیسی خود، چندان بازمانده، در حالی که فرانسه، چندی در پذیرش موسیقی جاز به تعلل گذرانید. بعلاوه ورود چند تن از امریکائیان به پاریس که مخالف تازه‌جومی در موسیقی بودند، در این امر بی تأثیر نبود.

در این زمینه برای دریافت مسیر واقعی رویدادهای اروپا، باید نتایج صحیحی را که از آنها بظهور رسیده است مورد توجه قرارداد.

در ۱۹۴۷ «جرج شیرینگ» که کشورش را بزم امریکاترک گفته بود، چند صفحه از آهنگهای بومی آن دیار بارمغان آورد.

در ۱۹۴۸ جمعی از موسیقی‌دانان جوان انگلیسی مانند «رونی اسکات»<sup>۲</sup> و «رک آرنولد»<sup>۳</sup> فراگرفتن اصول و مبادی «جاز» را آغاز نهادند.

همان‌هنگام، یعنی در بهار ۱۹۴۸ گروه بزرگ و معروف «گیلسپی» باروپا روی نهاد. اما کنسرت‌های این گروه، تعداد ناچیزی از مردم را بسوی خود کشید و «گیلسپی» چنان از نظر مالی باعدم توفیق مواجه گشت که برای هزینه بازگشت معطل ماند بانیویورک تماس گرفت و تقاضای مقداری پول نمود.

وضع دشواری پدید آمده بود. علت آن بود که انگلستانی که هنرمندان سایر کشورها را همیشه با آغوشی باز می‌پذیرفت، اکنون بر اثر اختلافات موجود میان اتحادیه‌ها، نسبت به ورود موسیقی‌دانان بیگانه چندان کشاره روی نبود.

وجود یک رابطه بحرانی میان اتحادیه‌های موسیقی انگلیس و فدراسیون موسیقی امریکا علل فراوانی داشت، که توضیح آن در این مقال شایسته نیست، همین بس است که گفته شود منع ورود موسیقی‌دانان امریکا به انگلیس نتایج نادرستی داشت که از آن میان بیش از هر چیز، جلوگیری از نفوذ «جاز» پیشرفته انگلیسی را می‌توان برشمرد. بهمین سبب، انگلیس باکندی تمام، در گردونه متحرک و تازنده موسیقی جاز توانست جایی برای خود بیابد. در حالی که در همین‌هنگام، مرزهای فرانسه و سوئد برای ورود و خروج آزادانه مردان جاز آنسوی آتلانتیک باز بود.

باید گفت که موسیقی‌دانان انگلیسی بهیچ‌روی کم‌قدرتر از همکامان اروپائی

۱ - George Shearing - ۲ - Ronnie Scott

۳ - Reg Arnöld

خود نیستند ، اما آنان از نخستین روزهای جنگ جهانی ناچار فعالیت خود را در يك محیط خالی و سرد دنبال کرده اند .

گردونه موسیقی جاز هیچگاه از حرکت باز نمانده و از همان نخستین روز ، بهترین وسائل ارتباطی را چون رادیو و گرامافون در اختیار داشته است . در انگلستان نفوذ « بورو کراسی » تاحدی مشتاقان را از پی گیری طریق خویش و میل به نتایج منطقی باز داشته با اینحال بریتانیا، در بجهت شرایط ناپامان محیط نیز موسیقی دانان برجسته ای در خود پرورده است .

تشکیل گروه هفت نفری « جوننی دانك ورت » ۱. تبلور اندیشه مشتاقانه ای بود، که چندتن از تواناترین سولیست ها را به زیر پر و بال « دانك ورت » کشید . این مرد استعداد های گونه گونی را در خویش گرد آورده بود، هم تک نوازی چیره دست بود، هم رهبری ارکستر را به عهده داشت و هم در تنظیم و شناخت قدرت آهنگسازان تجربت دیده بود .

دسته « تد هیت » ۲ نیز، نیرومندی و شکفتگی بی نظیری را نمایاند و مسیر طبیعی خود را، بعنوان يك ارکستر بین المللی پیسود . در ۱۹۴۹ دسته « تد هیت » گنجینه هائی از آثار « دانك ورت » ، « تاد دامرن » ۳ و « جرج شیرینگ » اندوخته بود و سولیست های بزرگی داشت که « جاز » را يك هنر ارتجالی در جهان موسیقی تلقی میکردند .

دسته دیگر بنام « آونت گارد » ۴ اجتماعي بود که رسالت خود را باهیجان و شور بی مانندی بشهر رسانید . گروه سه نفری « دونی اسکات » از همینجا تشکیل یافت و با وجود انتقاد ها و مخالف خوانیهای جدی در سال بمر خود ادامه داد . از سوی دیگر دسته کوچک « تونی کینزی » ۵ بوجود آمد که کار های پرداخته ای را عرضه کرد .

در ۱۹۵۴ « دون رندل » ۶ دسته موسیقی شش نفره ای (Sextet) را بوجود آورد . آهنگهایی که از طرف این دسته اجرا شد، واقماً از نظر تکنیک و محتوی ، اصیل و باارزش بود ولی از نظر مالی سر نوشت آن شبیه سایر دسته هائی بود که پیش از آن خواسته بودند يك موسیقی حقیقی بر مردم عرضه کنند .

يك نگاه اجمالی به تاریخ اخیر تکامل « جاز » بغوی می نمایاند هر استعداد و اشتیاقی که در راه ایجاد يك موسیقی عالی کوشیده باعکس العمل منفی اجتماع مواجه شده است .

- 
- ۱ - Johnny Dankworth - ۲ Ted Heath  
۳ Tadd Dameroo - ۴ Avent Garde  
۵ Tony Kinsey - ۶ Don Rendell

این تحلیل بخوبی بما باز می گوید که فی المثل چرا « ویکتور فلدمن » از فعالیت های خود در زمینه رهبری ارکستر کاست و به کار ضبط صفحات و تنظیم کنسرت روی آورد.

«فلدمن» نخستین بار در جهان موسیقی بعنوان یک طبال اعجوبه و بی نظیر شناخته شد. وی کار خود را در خلال جنگ جهانی دوم آغاز نمود و در نواختن «ویبرافون» نیز چیره دست شد اما کارهای پیانوی او چندان ارزشمند نبود.

«فلدمن» ابتدا از اعضای گروه «رونی اسکات» بود. آهنگهای او به کار دسته مزبور رونق و شکوه خاصی بخشیده بود. دیگر از کسانی که در این سلسله نام او قابل ذکر است «جیمی دوچر» ۴ می باشد که ابتدا استعداد خود را در گروه هفت نفری «دانک ورت» آزمود.

در مورد موسیقی دانان مزبور بطور کلی می توان گفت، که هنر و استعداد قابل ملاحظه ای را عرضه نمودند و با استادان جاز امریکایی کوس برابری زدند.

از سوی دیگر کشور سوئد به موسیقی دانانی که در زمینه های مختلف کار می کردند مجال داد تا بایکدیگر درآمیزند. و این نه تنها زیانبار نبود بلکه نتایج بسیار خوبی بیارآورد.

مردم سوئد از نظر زندگی در سطح بسیار والایی زیست می کنند. سوئد از آسیب دو جنگ بزرگ جهانی که او را بار در هم کوبید تا حدی در امان بوده است. این امر خود در مردم این کشور روح نسبه آرامی پدید آورده است که متناسب با فراغت و آسودگی آنها از نقطه نظر زیست شخصی نیز می باشد. فی المثل در منازل سوئدی، استفاده از دستگاه های حرارت مرکزی یک امر عادی و همگانی است. پس جای شکفتی نیست اگر موسیقی جاز سوئد را دست نخورده، آگاهانه و رها از ابتداءل بیاییم در حالی که در هیچیک از کشورها جاز از آرایش و تنزل بدور نبوده است.

هر گاه بر آن باشیم تا از القاء و نفوذ امریکائیان مسافر که سبک کارشان را می توان حد واسطه نشاط و صراحت آثار « روی الدر بیچ » ۴ و برانکیز زندگی ملایم کارهای « استان کتر » ۴ بوده است چشم پوشیم، محتملا، در کشور سوئد، نوعی از موسیقی جاز آفریده می شد که، فاقد خصائص عادی و معمولی که باید رابطه آن با موسیقی کلی باشد می بود.

از بیشکام ترین و بلند آوازه ترین مردان اسکاتدیناوی که اصول و مبانی جاز را در کارهای خود بکار بردند « آرن دومنوس » ۵ را باید یاد کرد. او میک کار

Jimmy Deucher - ۲     Victor Feldman - ۱  
Arne Domnenus - ۵     Stan Getz - ۴     Roy Eldridge - ۳

خود را تحت تأثیر موسیقی دانانی که از سوئد بازدید میکردند بی‌درپی تغییر میداد. ولی پس از چندی که از این خط مشی پیروی کرد، برای خویش شیوه‌ای خاص برگزید. دیگر از بانیان جاز سوئد «لارس گالین»<sup>۱</sup> نام دارد. وی در نواختن کلارینت استاد بود، صدای بم و نیرومندی نیز داشت. «گالین» بعنوان یک آهنگساز، در موسیقی سوئد معیاری بوجود آورد که مشوق و محرک بسیاری دیگر از مصنفین جوان گردید. در نخستین کامپای فعالیت گالین «مایلز دیویس»<sup>۲</sup> مشهور را مورد پیروی و سرمشق قرار میداد، اما در این طریق نیز هم او بر آن مصروف نبود که از یک نمونه کلی، تقلید نماید. وی رقیبانی داشت که چندی پایای او پیش آمدند ولی سرانجام اصالت کارهای «گالین» برای همگان مسلم گردید.

در رشته «تک نوازی» در میان مردم اسکاندیناوی، هنرمندان چیره دستی بوجود آمده‌اند. که از میان آنها تعداد بسیار کمی باوج مهارت و استادی رسیده‌اند. یکی از بهترین نوازندگان ترومبون در سوئد «آک پرسن»<sup>۳</sup> است که در سبک نرم و روان خود از «جی، جی، جونسون» معروف، پیروی میکند، معینا نمی‌توان هنر او را تا پایه تقلید، تنزل داد.

اماد در نواختن «ترومپت» سوئد کمتر نوازنده توانایی بیار آورده است. دو تن از ترومپت نوازان سوئد که هر دو نام «رولف اریکسون»<sup>۴</sup> برخوردارند، مدت‌ها در کشور امریکا و جز، دسته‌های مختلف کار می‌کرده‌اند.

ماهر ترین استاد بیانو در سوئد، که از دیرباز در آسان هنر آن کشور چهره تابناکی بوده و شیوه خاص و جذابی در کار خویش برگزیده است «بنکت هالبرگ»<sup>۵</sup> می‌باشد.

همانطور که یاد شد، کشور فرانسه دیرتر از بریتانیا و سوئد، برای موسیقی جاز، قابلیت هضم و درک نشان داد. اگر چه از نخستین مرحله ورود جاز در میان موسیقی دانان جوان نمایندگان کمی یافت، معینا کارهای پر دامنه‌ای صورت نپذیرفت. این نکته را نیز ناکفته نباید گذارد که جاز نوازان فرانسه در ضمن ناچار از رقابت و هم‌وردی با دسته‌های تجربت آموخته‌ای بودند که از کشورهای دیگر بخصوص از امریکا به فرانسه روی می‌نهادند. نخستین نمایش عمومی موسیقی جاز در بهار سال ۱۹۴۹ آغاز گردید که در آن غول‌های جاز مانند «مایلز دیویس»، «چارلس پارکر» و «تاد دامرون» و «ماکس روچ» شرکت داشتند.

علاوه بر آن محیط آزاد فرانسه میدان کنکاش جاز نوازانی شده که در گذشته

- 
- Miles Davis - ۲      Lrvs Gallin - ۱  
Rolf Ericson - ۴      Ake Peresson - ۳  
Bengt Halberg - ۵

امریکا، دری از شهرت و معروفیت بروی آنها نگشوده بود. آنان که در پاریس و شهرهای بزرگ دیگر، رقیبان سرسختی نیز نداشتند رفته رفته آوازه و بلند نامی خود را برافراشتند. از معروفترین آنها می توان « ریچی فراسٹ » بیانست و « جی کامرون » نوازنده ساکسون را نام برد. تحت تأثیر و نفوذ این قبیل مردان، مکتب مدرنیست های یاز فرانسه گشوده شد و رونقی یافت و سرانجام ستارگان خود را که در رأس این نهضت جای داشتند بجامه ارائه کرد.

پیشاهنگک این مکتب « هانری رنو » بیانست بود، که بر اثر مساعی وی، موسیقی جاز در فرانسه و حتی در اروپا، بنیان استواری یافت. سفر امریکا این امکان را بدو داد که شخصاً آثار هنرمندان پیشرو امریکا را بشنود و با ره آوردی ارزشمند بکشور خویش باز گردد. حاصل کلام آنکه فرانسه، راه مکتبی را که در کناره های شرقی اروپا نضج یافت و در موسیقی « سوئد » اثر بجای نهاد، پیش گرفته است، و این خود راهی است که در جهت مقابل و مخالف سبک « هالیوود » ادامه پیدا می کند.

در این هنگام بسیاری از جاز نوازان ماهر کشورهای همسایه بخصوص هنرمندان بلژیک به پاریس روی آوردند. از مشهورترین نوازندگان جاز بلژیکی باید « بویی ژاسپر » را نام برد، که شخصیت ممتاز و قابل توجهی است.

در این جا انصاف نیست که از « برنار پی فر » ذکر نکریم. این مرد، شهرت خود را در خارج از مرزهای فرانسه کسب نمود و به مکتب نیویورک وابسته بود. ولی بهر حال، سبک خاصی که وی در کار خود پیروی میکند، قبل از هر چیز، نام او را در ردیف سولیت های مستقل و مجزا از مکاتب موجود، جای می دهد.

غیر از « رنو » که پیش از موسیقی جاز در فرانسه است، چهره درخشان دیگری نیز وجود دارد بنام « کریستیان شوالیه » که آهنگ مشهور « غروب کوهستان » از ساخته های اوست.

مکتب جاز فرانسه، با اخذ تأثیر از موسیقی دانان امریکائی که، بصورتی بی گیر و متوالی به پاریس سفر می کنند اکنون مکتبی است که می توان آن را کانون موسیقی جاز در اروپا نامید.

اگر انگلستان نیز، موقعیتی مشابه فرانسه می داشت محتملاً اکنون مقامی را که کشور فرانسه در موسیقی جاز کسب کرده است از آن او می بود. مسئولیت هر گونه وقفه ای را در موسیقی انگلستان باید متوجه اتحادیه موسیقی بریتانیا دانست. هلند، آلمان، دانمارک و ایتالیا نیز هر یک بنوبه خود، مردان شایسته ای در

- 
- Jay Cameron - ۲      Ritchie Frost - ۱  
Bobby Jasper - ۴      Henri Renaud - ۳  
Bernard Peiffer - ۵

رشته جاز پرورده‌اند. « ماکس برول ۱۷ ازدانمارک و « هانس کولر ۴ از آلمان در زمره این مردان می‌باشند. ارکستر « کرت ازل هاگن » یکی دیگر از پدیده‌های جاز در آلمان است که بغاظر دقت و صلاحیت خود شهرت فراوانی بچنگ آورده است.

بنابراین می‌توانیم گفت: موسیقی جاز که « پارکر » و « جیلسی » پیشاهنگان آن بودند، راه خویش را بسوی اکثر کشورهای اروپایی گشوده و در نتیجه، این پیشروی هم به سود موسیقی جاز و هم بسود کشورهای مزبور پایان یافته است. هنگامیکه « هانری رنو » بقصد سفر سه‌ماهه‌اش رخت عزیمت به امریکا کشید و در استودیوهای ضبط، باتفاق « میل جکسون »، « آلکوهن »، « ج. ج. جونسون » و « ماکس روش » شرکت جست حتی زبان مشترکی که بتواند بازگویی خواسته‌های آنان باشد در میان‌شان وجود نداشت، ( زیرا « رنو » به سختی می‌توانست با انگلیسی تکلم کند ). معیناً، صفحاتی که در اثر این تشریف‌مآعی، تهیه گردید، خود، پیروزی بسیار بزرگی محسوب می‌شود؛ زیرا زبان اصیل و فصیحی که احساسات آن مردان برجسته را بهم پیوند می‌داد، زبان موسیقی بود.

اینک جاز موسیقی جهان‌گیر و موسیقی اکثریت مردم کشورهای است و با احتمال قوی مدتها همین سان، بزندگی ادامه خواهد داد.

ترجمه اردشیر لطفعلیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی